

عقیده و آرمان استوار خود را رها کرده‌اند و سر از آن با شدت و تعصب از عقیده و آرمانی پیروی می‌کنند. برای اولین بار در جریان جنگ کره و سپس در جنگ ویتنام، برخی از غلبان آمریکا در برابر دوربین تلویزیون ظاهر شدند و پیش‌ترین انتقاد را متوجه سران کشور و خویش کردند و از اصالت و حقانیت حکومت‌های کمونیستی کره شمالی و ویتنام شمالی کردند. هر چند تحقیقات آماری و میدانی بی‌طرفانه و دقیقی وجود نداشت که نشان ده «اعتراضات تلویزیونی» تا چه اندازه عمق و اصالت دارند و در شرایطی که روان‌پزشکان روان‌شناسان بسیار برجسته و بی‌طرف غربی، کلیت این جریان را ظاهری و بی‌پایه می‌دانستند هرگز نمی‌توان موضوع شد که «شرایط و عوامل» در این آرمان‌زده‌ها و آرمان‌موتور بوده‌اند که بسیار گسترده‌ای از امکانات، از شکنجه‌های شدید روان‌پزشکی و

دکتر سیدرضا جمالیان

با شست‌وشوی مغزی عقایدت تغییر خواهند کرد

حکومت قبلی کشور و ...
 که در خدمت دیکتاتور ...
 می‌باشد ...



پوشش مردم سانی اطلاعات

ناحق و با از باطل به حقیقت روی آورنده‌ها را معمولاً با کتانی اگر در گذشته تحت تاثیر سحر پنداشته می‌شد، در شرایط کنونی شست‌وشوی مغزی تصور می‌شود بیابیم به موارد منتقم این پدیده نظر کنیم و سپس به نتیجه گیری نهایی بپردازیم. در سال ۱۹۵۲م هنگامی که پلوا دوران حکومت کمونیستی شوروی در شهر لنینگراد به تحقیقات علمی و عملی خویش ادامه «رودخانه‌ی نوا» طغیان کرد و سیل به آزمایشگاه باورف وارد شد و برای مدتی نفس سگه مورد آزمایش بودند، زیرا آب قرار گرفتند. می‌توان حدس زد که سگ‌ها در شرایطی که در نفس و زیر آب بودند، تا چه اندازه وحشت کرده بودند و آن‌هایی که زنده ماندند، چه وحشتناکی را به دست آورده بودند. در برخی از شرایط ویژه ممکن است که یک عقیده، یک ایمان عرفانی، یک ایمان سیاسی درست یا نادرست، به صورت مریخ و ناگهانی ناپدید شد جای آن عقیده‌ی جدیدی بر ذهن یا تمام وجود فردی مستولی شود. آن گونه که او برای دفاع عقیده یا آرمان جدید، حتی از جان خود نیز بگذرد. از زمان جنگ‌های داخلی چین که به حکومت کمونیستی منجر شد، همچنین در جریان جنگ کره و ویتنام خبرهای شگفت‌انگیزی می‌شد که رسانه‌های غربی با عنوان «شست‌وشوی مغزی» از این مضمون یاد می‌کردند اطلاع شما به مواردی از این پدیده اشاره می‌کنیم آخرین امپراطور چین که جوان کم‌سال آن‌چنان تحت تاثیر آموزش‌های انقلابی، مانو قرار گرفت، که تفکر امپراتوری و زندگی بسیار

بارها خواننده یا شنیده‌ایم که افرادی در مواجهه با شرایطی در یک محدوده‌ی زمانی بسیار کوتاه عقیده و آرمان استوار خود را رها کرده‌اند و پس از آن با شدت و تعصب از عقیده و آرمانی جدید پیروی می‌کنند.

برای اولین بار در جریان جنگ کره و سپس در جنگ ویتنام، برخی از خلبانان اسیر آمریکایی در برابر دوربین تلویزیون ظاهر شدند و بیش‌ترین انتقاد را متوجه سران کشور و لشکر خویش کردند و از اصالت و حقانیت حکومت‌های کمونیستی کره شمالی و ویتنام شمالی حمایت کردند. هر چند تحقیقات آماری و میدانی بی‌طرفانه و دقیقی وجود نداشت که نشان دهد این «اعتراضات تلویزیونی» تا چه اندازه عمق و اصالت دارند و در شرایطی که روان‌پزشکان و روان‌شناسان بسیار برجسته و بی‌طرف غربی، کلیت این جریان را ظاهری و بی‌پایه می‌دانستند، ولی هرگز نمی‌توان منکر این موضوع شد که «شرایط و عواملی» در این آرمان‌زدایی و آرمان‌زایی مؤثر بوده‌اند که این افراد در طیف بسیار گسترده‌ای از امکانات، از شکنجه‌های شدید روانی تا پایداری وجدان آزاد و حقیقت‌جو جای می‌گیرند. اگر در گذشته‌های دور و دوران استالین، هوشی مینه، اوایل حکومت فیدل کاسترو و از همه بحث‌انگیزتر جوامع بسته در کره شمالی، از انتشار این عقاید علمی که در خدمت دیکتاتوری‌ها به کار می‌رفت جلوگیری می‌کردند، ولی در شرایط کنونی «تا حدودی» این مطالب منتشر شده‌اند که در این جا به بیان «این مطالب پراکنده» می‌پردازیم.

آرمان‌زدایی و آرمان‌زایی

در برخی از شرایط ویژه ممکن است که یک عقیده یک‌خاطره، یک‌ایمان عرفی، یک‌ایمان سیاسی درست یا نادرست، به صورت سریع و ناگهانی ناپدید شود و به جای آن عقیده‌ی جدیدی بر ذهن یا تمام وجود فردی مستولی شود، آن‌گونه که او برای دفاع از این عقیده یا آرمان جدید، حتی از جان خود نیز بگذرد.

از زمان جنگ‌های داخلی چین که به استقرار حکومت کمونیستی منجر شد، همچنین در جریان جنگ کره و ویتنام خبرهای شگفت‌انگیزی منتشر می‌شد که رسانه‌های غربی با عنوان «شست‌وشوی مغزی» از این مضمون یاد می‌کردند. برای اطلاع شما به مواردی از این پدیده اشاره می‌کنیم:

آخرین امپراطور چین که جوان کم‌سالی بود، آن‌چنان تحت تأثیر آموزش‌های انقلابی مائو قرار

گرفت، که تفکر امپراتوری و زندگی بسیار مجلل را به تمامی از ذهن خویش پاک کرد و بقیه عمر مانند یک کشاورز ساده‌ی چینی زندگی می‌کرد.

خلبانان آمریکایی که در متن یک جامعه‌ی سرمایه‌داری با نفرت و عناد کاملی نسبت به کمونیست‌ها و حکومت‌های کمونیستی پرورش یافته بودند، پس از سقوط هواپیمای آن‌ها و اسیر شدن، ظاهراً آن‌چنان تحت تأثیر اصالت و حقانیت آموزش‌های کمونیستی قرار می‌گرفتند که در رادیو یا تلویزیون این کشورها یا تمام وجود از حقانیت انقلاب‌های کمونیستی دفاع می‌کردند و از سیاست کشور امپریالیستی خود به شدت انتقاد می‌کردند.

اکنون به بحث و ارائه شواهد در این مقوله می‌پردازیم که چگونه ممکن است برخی از افراد جامعه از جمله اطرافیان و آشنایان ما به سرعت شالوده و بنیان افکار و عقایدشان متحول شود و از حق به ناحق و یا از باطل به حقیقت روی آورند. این تحول ناگهانی اگر در گذشته تحت تأثیر سحر و جادو پنداشته می‌شد، در شرایط کنونی شست‌وشوی مغزی تصور می‌شود. بیابیم به موارد متنوعی از این پدیده نظر کنیم و سپس به نتیجه‌گیری نهایی بپردازیم.

از بین رفتن سریع «انعکاس شرطی» به علت ترس شدید در سال ۱۹۲۴ هنگامی که پاولوف در دوران حکومت کمونیستی شوروی در شهر لنینگراد به تحقیقات علمی و عملی خویش ادامه می‌داد، «رودخانه‌ی نوا» طغیان کرد و سیل به آزمایشگاه پاولوف وارد شد و برای مدتی قفس سگ‌هایی که مورد آزمایش بودند، زیر آب قرار گرفتند. می‌توان حدس زد که سگ‌ها در شرایطی که در درون قفس و زیر آب بودند، تا چه اندازه وحشت کرده بودند و آن‌هایی که زنده ماندند، چه خاطره‌ی وحشتناکی را به دست آورده بودند.

خوشبختانه در آخرین لحظاتی که سگ‌ها در آستانه‌ی مرگ بودند، کادرهای آزمایشگاه تعدادی از آن‌ها را نجات دادند. وضعیت روانی این سگ‌ها پس از نجات به صورتی بود که پاولوف تشخیص داد به علت ترس یا استرس شدید همراه با اضطراب، دچار مهار شدید مغزی، خواب‌آلودگی و کولاپس عصبی شده‌اند.

هنگامی که پاولوف روز بعد آزمایش‌های خود را در زمینه‌ی انعکاس‌های شرطی ادامه داد، دریافت که کلیه‌ی آثار انعکاس‌های شرطی قبلی در این سگ‌ها از بین رفته بود! قضاوت پاولوف در این زمینه این چنین بود:

در سگ‌های سالم و عادی مانند انسان‌های سالم

و عادی این امکان وجود دارد که تحت تأثیر عوامل و شرایط آموزشی و محیطی، تفکر جدیدی به نام انعکاس شرطی شکل بگیرد و استمرار پیدا کند. این وضعیت یا رفتار که گویی در ذهن او نقش بسته، ممکن است با یک تجربه بسیار شدید روحی و یا روانی از بین برود. در این شرایط خلا، فکری، ممکن است بتوان یک فکر جدید یا انعکاس شرطی متفاوت یا متضادی را جایگزین آن کرد.

اگر شدت واقعه یا خاطره‌ی دردناک خیلی شدید نباشد، انعکاس شرطی موجود از بین نمی‌رود، هر چند ناراحتی‌های دیرپا به صورت وحشت‌اغراق آمیز از آب، در آزمایش‌های پاولوف باقی می‌ماند.

تحول ایمانی بسیار سریع توسط «مانی» در کتاب «ایران در زمان ساسانیان» تألیف کریستن سن، در فصلی که به زندگی و آیین مانی مربوط می‌شود، با دقت صححنه‌ای گزارش شده است که با بیان امروز، مانی با هیپنوتیزم کردن مهرشاه برادر شاپور و نشان دادن سرای دیگر یا باغ بهشت نور به شاهزاده‌ی ساسانی، تحول ایمانی و آیینی سریعی در او به وجود می‌آورد. به شرح این ملاقات شگفت توجه کنید:

«مهرشاه دشمن رسول خدا [مانی] بود، باغی بسیار باشکوه و پهناور داشت که بی‌نظیر بود. [زمانی] به حضور مهرشاه رفت که [او] در باغ ضیافتی شگرف آماده کرده، در نهایت شادمانی بود. شاهزاده به پیغمبر [مانی] گفت: «آیا در بهشتی که تو [مرا] بدان می‌خوانی، باغی چون باغ من هست؟» آن‌گاه مانی از بی‌اعتقادی شاهزاده آگاه شد و به قدرت خویش، بهشت نور را با همه‌ی ایزدان [فرشتگان] و موجودات ربانی و همه‌ی سعادت و بهجت جنانی به وی نمود. در این مدت شاهزاده بی‌هوش بود و این حال سه ساعت دوام یافت. پس مانی دست بر سر او نهاد تا به هوش آمد. آن‌چه دیده بود به خاطر داشت. چون [از حالت خواب یا خلسه‌ی هیپنوتیزمی] برخاست، به پای [مانی] افتاد و دست او را در دست گرفت.»

در واقعه‌ی تاریخی فوق هر چند شاهزاده‌ی ساسانی توسط مانی در شرایطی شبیه به خلسه‌ی هیپنوتیزمی فرو رفته بود، ولی ادامه‌ی تلقینات هیپنوتیزمی برای تغییر دیدگاه او از دشمنی به دین مانی و به سوی ایمان به این آرمان جدید مشاهده یا گزارش نشده است، بلکه تنها مشاهده‌ی عظمت و اهت سرای دیگر و عاقبت منکران و مؤمنان در آن جا برای این تحول سریع و عمیق روحی کافی بود.

پس از جنگ های جهانی اول و دوم، همچنین جنگ های کره و ویتنام، روان پزشکان غربی با سربازانی مواجه می شدند که مشاهدات و تجربیات وحشتناک و دردناک صحنه هایی از جنگ بر تمام وجودشان ریشه دوانیده بود و حتی ماه ها و سال ها پس از پایان جنگ نیز پیامدهای روانی آن در زندگی شان مشهود بود. افسردگی، احساس خستگی، بی قراری، ترس های بی دلیل و یا کابوس های شبانه مواردی از این پیامدهای بعدی را نشان می دادند.

در جنگ جهانی اول برای درمان این افراد از یک ماسک و باریختن اثر بر روی پنبه ای که جلوی بینی و دهان این افراد قرار داده بود، سعی می شد آن های هوش شوند. جریان بی هوشی از این طریق بسیار ناراحت کننده و چیزی شبیه خفه شدن بود. پس از قطع دارو بیمار کم کم از مرحله بی هوشی خارج می شد ولی به یک مرحله تلقین پذیری شدید شبیه خلسه ی هیپنوتیزمی فرو می رفت. در این شرایط کوشش می شد تا به کمک تلقین، خاطرات و حشمتاک و دردناک زمان جنگ در برابر او زنده شود.

در این لحظات، بیمار دوباره به همان شرایط باز می گشت. مثلاً به یاد می آورد که با اصابت موشک، او در یک تانک مشتعل مجبوس شده، یا با برخورد گلوله ی توپ به دیواره ی سنگر در زیر خروارها خاک اسیر شده و یا با برخورد گلوله به سر دوست او در سنگر، ناگهان تکه هایی از مغز دوستش بر روی صورت و لباس او ریخته است. در این شرایط در سخنان و حرکات او دقیقاً همان وضعی دیده می شد که پیش تر در جنگ تجربه کرده بود.

پس از بیدایش این وضع تحریک پذیری و پروحشت، ناگهان بیمار بی حس و بی هوش نقش زمین می شد و در این حالت رخوت یا کولاپس، مدتی باقی می ماند. پس از بیداری ممکن بود به گریه بیافتد یا بلخندی بزند. ولی از این پس، تا حد زیادی خاطرات زمان جنگ از خاطره ی او محو می شد و به شرایط عادی زندگی برمی گشت.

تحول سریع ایمانی توسط یک کشیش
همینجی
در شرایط کنونی، اکثریت کشیشان مسیحی در سخنرانی های مذهبی خویش، بیش تر با بیان عارفانه درباره ی محبت و رحمت الهی و عشق به حضرت

مسیح صحبت می کنند، ولی در قرن های گذشته برای تحول سریع ایمانی و سیر سریع گناهکاران و بی ایمان ها به سوی کسب ایمان، از روش های فعال و پراپتی بهره می بردند که یکی از چهره های معروف در این محدوده کشیش وسلی و دیگران در قرن های ۱۷ و ۱۸ در انگلستان بودند.

وسلی در مجالس بحث خود با بیانی سخنورانه و بسیار پرهیجان، از جهانی صحبت می کرد که گناه و طغیان در همه جا گسترده شده است و با توجه به سوابق مشابه تاریخی پیش بینی می کرد ممکن است این روزها تمام مردم یا در زیر شعله های آتشفشان ها بسوزند و یا بدن آن ها مانند ساکنان شهرهای سودوم و گومورا زیر باران سنگ له شود. امید اندکی برای نجات مردم باقی مانده است. علاوه بر مصیبت های این جهانی، عقوبت بسیار وحشتناک عذاب ابدی در جهنم آن گونه که وسلی با دقت آن را تجسم و ترسیم می کرد نیز در انتظار گناهکاران است. در این شرایط تنها کسانی را مستوجب نجات می دانست که صمیمانه توبه کنند و از راه شیطان و گناه، به راه خدا و مسیح بازگردند.

گزارش هایی که از مجالس وعظ و خطابه ی وسلی باقی مانده، نمایان گر این حقیقت است که این سخنان پراپت و وحشت انگیز برای شنوندگان بسیار جذاب و دلچسب بود. گروهی به گریه می افتادند، تعدادی از وحشت جغ می کشیدند و دانه های ریز عرق تمام بدن آن ها را می پوشاند. در تعدادی از افراد، حرکات غیر ارادی عضلانی تا درجانی از تشنج پدید می آمد که حتی عده ای بی هوش نقش زمین می شدند.

بسیاری از افراد که در این جلسات شرکت کرده بودند، پس از پایان جلسه در یک وضعیت آرامش همراه با ایمان مذهبی قرار می گرفتند و با قطعیت زندگی بر گناه خود را ترک می کردند و در راستای زندگی و ایمان مذهبی مطابق آموزش های کشیش وسلی قرار می گرفتند.

تحول شدید و سریع در شرایط خاص
تلقین پذیری
گزارشی از یک پزشک نشان می دهد که چگونه تبلیغ یا تلقین مذهبی پرهیجان به ویژه لحظاتی که انسان در شرایط تلقین پذیری شدید است می تواند مؤثر باشد.

کشیش وسلی برای موعظه و توبه دادن دو جنایتکار بسیار خطرناک و سنگدل، دقیقی قبل از اعدام آن ها حاضر شده بود. به خلاصه ای از گزارش این پزشک درباره ی نحوه ی موعظه کشیش توجه کنید.

وسلی گفت: «رحمت و پیام های الهی در تمام گوشه و کنار و در برابر ما قرار دارد. اگر ما چشمی برای دیدن و گوشه ی شنیدن داشته باشیم می توانیم این آیات و نشانه های رحمت، محبت و عنایت را مشاهده کنیم. کافی است ما به سوی خداوند حرکت کنیم. هیچ گاه برای این کار دیر نیست».

پزشکی که در کنار محکومان بود، وضعیت این افراد را در این لحظات به این صورت ترسیم کرده است:

«قطرات ریز عرق بر روی چهره و تن محکومان ظاهر گردید، آن گونه که پس از لحظاتی آب، از صورت و تن آن ها جاری گردید. پس از مدت کوتاهی لرزه بر اندام آن ها حاکم گردید. پس از آن آرامش و حالت معنویت در وجود آنان ظاهر گردید، به گونه ای که با ایمان به کتاب خدا بوسه زدند و از کشیش طلب توبه و از خداوند طلب رحمت کردند. این تحول روحی و انقلاب عقیدتی آن چنان شدید و پر قدرت پدید آمد که من اطمینان داشتم که اراده ی الهی در این تغییر سریع دخالت داشته است».

در دوران کودکی و نوجوانی بارها شاهد مردان و زنان ستم دیده ای بوده ام که بسیاری از آنان تحت تأثیر حوادث بسیار سنگین مانند، مرگ عزیزان یا زیان های سنگین، در برخی از مجالس مذهبی با شرایط مناسبی که برای گریستن وجود دارد، به حالت اغما و بی هوشی فرو می رفتند و پس از بیداری و هوشیاری در وضعیت روحی و روانی بهتری قرار می گرفتند.

درمان سریع در بیماران مبتلایه

نوروز های جنگی

در عصر ما، دو نفر از برجسته ترین روان پزشکان روزگار با نام های آشنا و پرآوازه ی اسپیکل و گرین کر، تحول درمانی سریع در بیماران مبتلا به عوارض روانی شدید و دیرپای حاصل از جنگ را این چنین گزارش کرده اند:

منظره خیلی وحشتناک است؛ شبیه برق گرفتگی است. بدن به تدریج سخت و منجمد می شود، چشم ها باز تر و مردمک ها گشادتر می گردند، بدن از دانه های ریز عرق پوشیده می شود و در دست ها حرکات تشنجی ظاهر می گردد. تظاهرات عصبی بیماران گاه شدیدتر از آن است که بتوان باور کرد و اکثراً در اوج هیجان، یک حالت کولاپس پیدا می شود و بیمار از پشت به بستر می افتد و چند دقیقه ای در این حالت باقی می ماند.

در جریان زندگی قبیله‌ای در آفریقا، افرادی که قبلاً سالم یا عادی بوده‌اند، مکرراً دچار یک ناراحتی شدید روانی می‌شوند که این حالات ممکن است در جوامع پیشرفته جنون یا پس‌یکوز حاد نامیده شوند. در جوامع بدوی تصور می‌شود ارواح خبیث و زیان‌کاری وارد بدن آن‌ها شده و روح یا جسم آن‌ها را تسخیر کرده است.

جادوگر قبیله، برای درمان آن‌ها، مجالس خاصی را تشکیل می‌دهد که در آن‌ها ساعت‌های طولانی فرد بیمار تحت تأثیر ریتم تند و بلند دهل‌ها و انواع طبل‌ها با افراد دیگری که ممکن است سالم یا سابقه بیماری روانی داشته باشند، می‌رقصند. در اوج لحظات فرسایش جسمی و کولاس، بیمار به یک مرحله تلقین پذیری وارد می‌شود. جادوگر قبیله در این هنگام با توجه به زمینه‌ی فرهنگی بیمار و باوری که در حیات اجتماعی و فرهنگی خود کسب کرده است، با روحی که بدن بیمار را تسخیر کرده است مذاکره می‌کند و با دادن تحفه، قول برگزاری مجلس مهمانی و یا ترساندن او، این روح مهاجم را از بدن بیمار خارج می‌کند و فرد بیمار با سرعت به حالت سلامتی برمی‌گردد. این روش در استان‌های ساحلی و جزایر خلیج فارس نیز با عنوان «زارزدگی» وجود دارد. در کتاب «اهل هوا» تألیف روان‌پزشک فقید دکتر ساعدی و در یکی دو فیلم از فیلم‌ساز نامدار تقوایی، مراسم زار و زار درمانی در هرزگان نشان داده شده است. در این مراسم که با تشریفات پرابهت و بسیار وحشتناکی همراه است، ممکن است عقیده‌ی تسخیر روحی به مثابه‌ی یک باور یا فکر از صفحه‌ی ذهن بیماری پاک شود و با تلقین یا هدایت زار یا درمان‌گر، عقیده‌ی جدیدی که تدرستی است، در فکر او وارد شود.

تحول روحی سریع و دیرپا در خانقاه‌ها

سه سال خدمت پزشکی در کردستان این شانس را برای من به وجود آورد تا بارها در جلسات سماع صوفیانه شرکت کنم. در این جلسات تعداد زیادی از افراد مختلف جامعه شرکت می‌کردند که برخی از آن‌ها نیز افراد خطاکار بودند.

این افراد زمانی که در اوج سماع دچار غش و بیهوشی می‌شدند و شیخ عباي خود را به عنوان رحمت و حمایت بر روی این افراد می‌انداخت، پس از بیدار شدن در جهت درستکاری، تحول سریع و شدیدی پیدا می‌کردند.

شبیست و ششوی مغزی در شوروی سابق
در کتاب «سیا و کنترل مغزها» که انتشارات اطلاعات چاپ و منتشر کرده است، به اشتیاق مؤسسات اطلاعاتی و امنیتی کشورهای بزرگ برای «مهار مغزها» اشاره شده است.

هر چند دکتر زیگموند فروید به عنوان اوج نوع بشری در مباحث روان‌شناختی شناخته شده است، ولی نظریه او درباره‌ی ساختار روان آدمی و طرح مباحثی مانند ضمیر آگاه، ضمیر ناخودآگاه و ... مباحثی ذهنی و نظری هستند و در مغز انسان برای این مباحث پایگاه مادی وجود ندارد.

از سوی دیگر یاولف (دکتر ایوان پتروویچ یاولف ۱۹۳۶-۱۸۴۹م) که در روسیه تزاری از یک خانواده‌ی فقیر بر جمعیت در پرتو استعداد درخشان خود در نهایت فقر، دانشکده‌ی پزشکی را به پایان رسانید و در سال ۱۸۹۰م به عنوان استاد فارماکولوژی در آکادمی طبی نظامی سنت پترزبورگ مشغول به کار شد و در سال ۱۹۰۴م با کشف انعکاس شرطی نه تنها جایزه‌ی نوبل را به دست آورد، بلکه مهم‌ترین کشف و پژوهش در شناخت نحوه‌ی عملکرد یا فیزیولوژی سلسله اعصاب را نیز انجام داد.

در سال‌های پیش از ۱۹۱۷م انقلاب بلشویکی روسیه یاولف در اوج پژوهش‌های علمی خود بود و پس از انقلاب نیز لنین با عزت و احترام امکانات پژوهشی یاولف را فراهم آورده بدون این که مشخص شود لنین تا چه اندازه به آینده کنترل مغزها و یادربین انبوه ناراحتی‌ها به شست و شوی مغزی می‌اندیشید. به احتمال زیاد در عصر استالین، انستیتوی پژوهش‌های مغزی بخت‌خیز در زمینه کنترل مغزها، زیر نظر روان‌پزشکان نامداری چون پروفیسور واسیلوف، خانم دکتر توماشفسکی، دکتر دوپرووسکی و ... به این نتیجه رسیده بود که اگر انسان‌ها نیز در زیر فشارهای بسیار شدید روانی و جسمی قرار بگیرند، عقاید و افکار موجود در ذهن آن‌ها پاک می‌شود و ذهن و مغز آن‌ها برای پذیرش افکار جدید آماده می‌شود. بستری کردن روشنفکران ناراضی در بیمارستان‌های روانی، شوک‌های الکتریکی متوالی با قصد فروپاشی ساختارهای ذهنی، اقامت در زندان‌های بسیار مخوف، بازجویی‌های شبانه همراه با شکنجه، تا یک ناراضی ساده حکومت به جاسوسی امپریالیسم، شرکت در توطئه براندازی حکومت، دشمنی با خلق و ... اعتراف کند ... قسمتی از این روش‌ها بود.

موضوع دیگری که در تمام کشورهای کمونیستی

با شدت و قدرت به کار می‌رفت که به نوعی با آرمان‌زایی و آرمان‌زدایی اجتماعی ارتباط دارد، کیش شخصیت است. در این کشورها آن چنان در احترام گذاشتن و تکریم کردن از شخصیت رهبر حزب کمونیست، اصرار و اغراق می‌شد که به او مقامی فوق بشری و فوق‌منطقه‌ای داده می‌شد، آن‌گونه که احتمال انتقاد به ساحت او در ذهن هیچ فردی نیاید. این کار از استالین و مائوتسه تک شروع شد و درباره‌ی هوشی مینه، فیدل کاسترو و از همه چشم‌گیرتر رهبران کره شمالی استمرار یافت. در حالی که پس از فروپاشی رژیم شوروی مشخص شد که کشورهایمانند تاجیکستان، ازبکستان و بسیاری از جمهوری‌های شوروی، صدها سال از جامعه‌ی امروزی عقب هستند، در دورانی که پرده‌ی آهنین، این مناطق را از بقیه جهان از جمله ایران جدا می‌کرد، رادیوهای شوروی به صورت ۲۴ ساعته اطلاع می‌دادند که هر روز در این مناطق، پیشرفت‌های بسیار سریعی روی می‌دهد که این موفقیت‌ها در پرتو رهبری داهیانه‌ی استالین، رهبر زحمتکشان جهان و حزب پیشرو و نوین کمونیست تحقق پیدا می‌کند. در کشورهای کمونیستی مانند چین، مردم مجبور بودند ساعاتی در روز، آموزش‌های داهیانه‌ی مائو را مطالعه کنند و در تمام ساعات به وسیله‌ی رادیو، تلویزیون، مراسم حزبی، تئاتر، کتاب‌ها و ... شدیداً احاطه شوند. همه جا نام رهبر حزب کمونیست بود؛ شهر استالینگراد، خیابان استالین، میدان استالین، کوچه استالین، دبستان استالین و ...

یاولوف و نظریات مربوط به فشار روانی

یاولوف حدود ۸۰ سالگی در دوران استالین چند سخنرانی مهم انجام داده که هورسلی گانت این مطالب را با عنوان «رفلکس شرطی و روان‌پزشکی» به زبان انگلیسی ترجمه کرده است و همچنین این سخنرانی‌ها پیش از جنگ جهانی دوم در جهان غرب چاپ و منتشر شده است. توجه عمیق به این مطالب نشان می‌دهند که درست همان‌گونه که هزاران سال پیش در متن مراسم جادویی و قبیله‌ای، انسان‌ها تحول ایمانی و عقیده‌ای پیدا می‌کردند، در شرایط کنونی نیز با فشارهای روانی بسیار شدید و با توجه به خصلت ساختاری انسان‌ها که در طبایع چهارگانه طب قدیم به آن‌ها اشاره شده است، این آثار پدید می‌آیند:

انسان‌هایی که دارای مزاج تحریکی هستند، حتی به محرک‌های متوسط، جواب‌های خشن شدیدی نشان می‌دهند. صاحبان مزاج‌های تحریکی که قدرت